

حقوق زن در اسلام



عصام‌الدین گوگلان

مدرس علوم دینی ربانیه چنارلی استان گلستان

زن به‌عنوان نیمی از بشریت و عضوی جدی و غیرقابل چشم‌پوشی در کانون بزرگ جامعه انسانی و نیز به‌عنوان یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ، دآوری‌های گوناگونی را نسبت به خود دیده است و شرایط بسیار ناهمگون و نامساعدی را پشت سر نهاده است.

تصور هرگونه نقشی برای زن در طول تاریخ منوط به نگرش‌هایی بوده است که از بدو پیدایش زن و ورود وی در عرصه زندگی وجود داشته است و اصولاً پذیرفتن هر نوع حق و امتیازی برای زن در هر جامعه‌ای اعم از جوامع دینی و غیردینی ریشه در اعتقادات، باورها و نگرش‌های آن جامعه نسبت به زن دارد و این امری طبیعی است زیرا ارزش‌ها و معیارهای برتری را در جامعه‌ای، اعتقادات آن جامعه تعیین می‌کند، بنا براین جا دارد تا گذری کوتاه به نگرش‌های مختلف در جوامع متعدد نسبت به موضوع زن را داشته باشیم.

جایگاه زن در جوامع قدیم:

در تورات آمده است: زن از مرگ نیز تلخ‌تر است. جمع باشکوهی از کشیش‌ها در (رم) مقرر پاپ اعظم تشکیل جلسه دادند تا پیرامون وضعیت زن تبادل نظر نمایند، آن‌ها نهایتاً به این نتیجه رسیدند که زن موجودی است بدون روح، بنابراین از حیات اخروی بی‌بهره است.

هندوها معتقد بودند که مرگ و وبا، جهنم و آتش و سم واقعی بهتر از زن است و عقیده آن‌ها این بود که زن بعد از مرگ همسرش حق زندگی نداشت و به همراه شوهرش زنده‌زنده سوزانیده می‌شد. یونانی‌ها معتقد بودند: زن کالایی است که باید در معرض خرید و فروش گذاشته شود.

چین: اگر دختری متولد می‌شد، خویشان و نزدیکان بانهایت تأسف و ترحم به پدر و کسان نزدیک طفل تسلیت می‌گفتند. دختران را زنده می‌کشتند یا به صحرا می‌افکندند و یا به برده‌فروشان می‌دادند.

چینیان خیال می‌کردند خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، لذا در نظر آنان پسران بابرکت بودند و دختران طوق لعنت. قربانی دوشیزگان برای خدایان در چین مرسوم بوده است

نگرش عرب‌ها قبل از اسلام به زن نیز کاملاً روشن است، فقط به گوشه‌ای از آن که اسلام آن را بیان نموده است اشاره می‌کنیم. خداوند متعال می‌فرماید: «و اذا بشر احدکم بالانثی ضل وجهه مسوداً و هو کظیم. یتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الاساء ما یحکمون».

و هنگامی که به یکی از آن‌ها مژده تولد دختر داده می‌شد، آن‌چنان از فرط ناراحتی چهره‌اش متغیر می‌شد که صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غضب و اندوه می‌شد. از قوم و قبیله خود به خاطر این مژده بدی که به او داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد و سرگشته و حیران به خود می‌گفت آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگه دارد و یا او را در زیر خاک زنده به گور سازد؟ هان! چه قضاوت بدی می‌کردند!

زن در جوامع معاصر: در سال ۱۵۸۶م در فرانسه کنفرانسی پیرامون شئون زنان برگزار شد. موضوع مورد بحث این بود که آیا زن انسان است یا خیر؟ آن‌ها بعد از بحث و تبادل نظر طولانی، نهایتاً به این نتیجه رسیدند که زن انسان است، اما برای خدمت مردان خلق شده است. بالاخره فرانسوی‌ها انسان بودن زن را که

مشکوک بود، ثابت نمودند.

در انگلیس تا سال ۱۸۵۰ م زنان را شهروند انگلیس محسوب نمی‌کردند در دانشگاه آکسفورد تا سال ۱۹۶۴ م بین دانشجویان دختر و پسر در حقوق و مزایا تفاوت وجود داشت.

جوامع معاصر و برخورد دوگانه و منافقانه با زنان:

نگرش‌های معاصر نسبت به زن، این نکته حائز اهمیت است که در دنیای غرب و اروپا و جوامعی که اغلب مدعی دفاع از حقوق زنان و خواستار حضور فعال زن در عرصه‌های اجتماعی و مشارکت بی‌قیدوبندش در فعالیت‌های اجتماعی هستند و ظاهراً از روی شفقت و مهربانی، ترحم و همدردی، خیرخواهی و دلسوزی خواهان بیرون آمدن زن از منزل می‌باشند، اسرار می‌ورزند تا زن

با آزادی تمام در کوچه و بازار مراکز تجاری و صنعتی، کشاورزی و دامداری، ادارات و کارهای هنری نظیر فیلم و تئاتر نمایش و ورزش و بدن‌سازی و اردوگاه‌ها و قرارگاه‌های نظامی دوشادوش مرد حرکت کنند و نباید محدوده فعالیت زن از مرد جدا باشد. این مطالب دلسوزانه و مشفقانه، اگر دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد و عملکرد این جوامع و برخوردشان با زن، اساسی و ریشه‌ای بازبینی شود، به برخورد دوگانه و منافقانه، غیرواقعی و غیرحقیقی پی خواهیم برد. برخوردی که بویی از صداقت و واقعیت در آن وجود ندارد و اساساً تمام این مطالبات که ظاهراً تحت عنوان دفاع و حمایت از زن مطرح می‌شود زاییده دو عامل است:

(الف) گسترش بی‌بندوباری: مهم‌ترین عاملی است که این جوامع را به دفاع از زن واداشته است و نظریه‌پردازان این جوامع بانگیزه‌ای شهوانی در راستای مطالبات مردمان عیاش و هرزه، خواستار مشارکت زنان و مردان بیگانه نسبت به یکدیگر، در تمام فعالیت‌های روزانه زندگی هستند.

تردیدی نیست که هدف اصلی آن‌ها از حضور و مشارکت زن در این جوامع هرگز به خاطر ارج نهادن به مقام زن و ارزش قائل شدن به موقعیت و احترام به جایگاه والای زن نمی‌باشد، بلکه صرفاً اشباع غریز مردان و سوءاستفاده از حضور زنان و دست یافتن به نوعی منفعت و لذت شهوانی است و این واقعیتی است

(ب) زراندوزی و فزون‌طلبی: در جوامع فوق هرکسی دیوانه‌وار به فکر ازدیاد سرمایه خویش است. در این جوامع ارزش‌ها، معیارهای اخلاقی، فضایل انسانی، جای خود را به فزون‌طلبی و زراندوزی داده است.

کانون خانواده و ارتباط زناشویی صادقانه در کوره داغ دنیا طلبی ذوب‌شده و مادیات هدف اول و آخر زندگی قرار گرفته است،

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است و اقداماتی برای احیاء و استیفای حقوق زنان انجام داده است که از جمله آن احیاء شخصیت زنان، به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان، تجویز حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اعطای حق تعلیم و تربیت می‌باشد

به همین جهت است رئیس خانواده در این جوامع تازمانی که زنش یا دخترش قادر به کار و درآوردن پول از طریق ممکن هستند حاضر به فراهم کردن نفقه آن می‌باشد؛ و چنین زنانی و دخترانی مجبورند جهت درآوردن نفقه و ضروریات خویش به کوچه و بازار، کارگاه و مزرعه روی آورند. از طرفی دیگر اغلب متصدیان مشاغل و صاحبان کارگاه‌های تولیدی و املاک تجاری از نیروی کار زن با دستمزد نازل جهت رونق بازار و جذب مشتری بهره می‌گیرند. آن‌ها زیبایی و ظرافت زن را که خالق هستی جهت آرامش خاطر شوهر و زندگی توأم باصفا و صمیمیت زناشویی آفریده است در جهت اشباع اغراض مادی، تصاحب سرمایه‌های هنگفت، توسعه بازار و رونق تجارت خویش به کار می‌گیرند. به تعبیری دیگر آنچه امروز در شرق و غرب به‌خصوص در کشورهای صنعتی و پیشرفته به‌عنوان مشارکت زن و حضور وی در عرصه‌های زندگی در حال انجام است، چیزی غیر از ظلم و ستم، تجاوز و بی‌عدالتی، تحقیر و توهین به زن نیست.

جایگاه واقعی زن در قرآن

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است و اقداماتی برای احیاء و استیفای حقوق زنان انجام داده است که از جمله آن احیاء شخصیت زنان، به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان، تجویز حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اعطای حق تعلیم و تربیت می‌باشد.

اسلام بنیان برتری طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد.

این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم».

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

ذاتی که معیار برتری انسان در نزد وی ترکیب و تقوی و ایمان و عمل صالح، اخلاق و کردار شایسته، علم و معرفت، صداقت و دیانت است. هرکس به میزان بر خورداری از اعمال صالحه چه زن باشد خواه مرد همان قدر مستحق پاداش و اجر اخروی می‌گردد و در استحقاق اجر و پاداش به هیچ وجه تفاوتی بین مرد و زن نمی‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا. ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس.» پس اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد.

شهید مطهری رحمه‌الله پیرامون این موضوع چنین می‌گوید: «اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی اسلام در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. همچنین زن می‌تواند به مقام و منزلتی برسد که غضب و رضایت او غضب و رضای الهی را در پی داشته باشد، چنان که در حدیثی از

رسول گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله درباره حضرت فاطمه علیها السلام آمده است: «ان الله لیغضب لغضب فاطمة ویرضی لرضاهای؛ همانا خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از خشنودی او خشنود می‌شود.»

خداوند متعال می‌فرماید: «فاستجاب لهم انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض»

پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ‌کسی را خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد، پاره‌ای از شما پاره‌ای دیگر هستید (و همگی هم‌نوع و هم‌جنس می‌باشید). اسلام به نحو احسن از نقش اجتماعی و استعدادها و توانمندی‌های زنان در جهت خیر استفاده کرده و هیچ‌گاه زن را مورد سرزنش قرار ننموده و کوچک نشمرده است.

مشروط بر اینکه محور فعالیت‌های زنان و خاستگاه و کوشش‌های آنان تقوا و اصلاح‌طلبی و علاقه‌مندی به کارهای نیک و پشتیبانی و طرفداری از رسالت پیامبر اکرم (ص) و احکام الهی باشد، نه آنکه هدف و مقصود آنان بی‌بندوباری و فساد و پیروی از مکتب‌ها و اندیشه‌های باطل و بی‌اساس باشد و یا بازیچه و عروسکی در دست تبهکاران قرار گیرند.

می‌بینیم که قرآن تدبیر و مدیریت و رهبری حکیمانه بلقیس ملکه سبا را در میان مردمش گزارش می‌کند، و از طرز تفکر دقیق و نگرش صحیحی که وی بکار می‌گرفت و همین اوصاف مایه جاودانگی او در طول تاریخ شد، سخن می‌گوید.

او در کنار حضرت سلیمان (ع) از جایگاهی برخوردار است که قرآن به بیان و توضیح آن پرداخته است و نه تنها او را سرزنش و ملامت نکرده بلکه دوراندیشی و مصلحت‌اندیشی او راستوده است.

بلقیس پیش از تأمل و تعمق کافی، اسلام آورد و اسلام آوردن او موجب شد تا تمام مردم سبا نیز اسلام بیاورند به جماعت خود گفت: ای جماعت حمیر، شما گنجینه و ذخیره خداوند هستید. این بود که به اتفاق یک‌صد و دوازده هزار تن از لشکریانش به‌منظور پیوستن به حضرت سلیمان از شهر خارج شدند و با سپاه خویش در غمدان و مارب اردو زدند، همگی آنان به سلیمان

اسلام به نحو احسن از نقش اجتماعی و استعدادها و توانمندی‌های زنان در جهت خیر استفاده کرده و هیچ‌گاه زن را مورد سرزنش قرار ننموده و کوچک نشمرده است

ایمان آوردند به این ترتیب قوم او گروه گروه به دین و آئین حضرت سلیمان ایمان آوردند.

همچنین قرآن درباره همسر عمران و درباره شخصیت ممتاز وی سخن می‌گوید، بانویی که خیروبرکت گسترده و فراگیری را به قوم خویش ارزانی داشت و او زنی باتقوا و نیکوکار بود: «اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السميع العليم». آنگاه که همسر عمران گفت: ای خدای من، من نذر کرده‌ام که این جنین نو رس را که در رحم خویش دارم سرایدار خانه تو (بیت المقدس) گردانم تو نیز از من بپذیر

که تو خود شنوا و دانائی. و همچنین در قرآن کریم حضرت مریم و پاک‌دامنی و عفت او به‌عنوان نمونه‌ای دیگر مطرح شده و گزارش شده است که چگونه خداوند او را گرامی داشت و چگونه بانکه زن بود به خدمتگزاری بیت المقدس پذیرفته شد و چگونه سختی‌ها و مشقت‌های بسیاری را از سوی قومش به خاطر زاییدن فرزندش که خداوند اراده کرده بود تا او نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت خداوند باشد، تحمل کرد.

نمونه دیگر، همسر فرعون است، زنی که علیه فرعون قیام نمود و در برابر آزار و شکنجه‌های آن اعتنایی نکرد و او از بهترین الگوی صبر و شکیبایی و تقوا و استقامت و برترین نمونه و ضرب‌المثل زنده و ماندگار در طی قرون و اعصار در گذشته و آینده است و تا دنیا دنیاست خواهد بود: «و ضرب الله مثلا لذلذین امنوا امرات فرعون اذ قالت: رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله نجنی من القوم الظالمین»

و نمونه دیگر از زنان نامدار دنیای اسلام خدیجه (س) بنت خویلد و همسر رسول اکرم (ص) است که خود به تنهایی عالمی را بس است. وی توانست غم و اندوه را از وجود رسول اکرم (ص) بزداید و توانست در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و پریشانی‌ها ثابت قدم و استوار نگاه دارد و با جان و مال خویش از رسول الله حمایت و پشتیبانی نمود که خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم (ص) می‌فرماید (ووجدک عائلا فاغنی)

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الاسلام فی قصص الاتهام، شوقی ابو خلیل ص ۲۲۴ دار الفکر
- ۳- مجموعه آثار، شهید مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ج ۱۹، ص ۱۳۳،
- ۴- میزان الاعتدال، امام ذهبی، دارالفکر، ج ۱، ص ۵۳۵
- ۵- صحیح بخاری، اسماعیل بخاری، ج ۷ ص ۷۸
- ۶- زن از دیدگاه اسلام، علی ربانی خلخالی، نشر حجت، ص ۲۱، ۲۲ و ۲۵.